

پہلے جامعہ علوم انسانی

گفتگو

- گفتگو با دکتور توفیق سبحانی
- گفتگو با مهندس اشراق
- گفتگو با خسرو ناقد
- گفتگو با مرتضی احمدی

گفتگو با دکتر توفیق سبحانی

علی دهباشی

۲۱۵

- آقای دکتر توفیق سبحانی متشکرم که دعوت مجله بخارا را پذیرفتید... ممکن است بفرمایید کجا متولد شده‌اید و در کجا به کار مشغولید؟

- من توفیق ه. سبحانی در تبریز به دنیا آمده‌ام، فعلاً در دانشگاه پیام نور به انجام وظیفه مشغولم.

- تحصیلات دانشگاهی را کی و کجا گذرانده‌اید؟

- در سال ۱۳۴۱ از دانشگاه تبریز در رشته زبان و ادبیات فارسی لیسانس گرفته‌ام، بعد در سال ۱۳۴۲ دوره فوق لیسانس دبیری ادبیات را در دانشگاه تربیت معلم تهران گذراندم. دوره دکتری ادبیات فارسی و عربی را بین سالهای ۱۹۶۹ - ۱۹۷۴ در دانشگاه استانبول به پایان رساندم.

- چه خاطره‌یی از دوران دانشجویی برایتان به یادگار مانده است؟

- آنچه برایم به یادگار مانده، جز خاطره چیزی نیست. اقبال بزرگی که داشته‌ام، این بوده که در دبیرستان معلّمانی چون مرحوم علی اکبر صبا، آقای دکتر عبدالامیر سلیم و مرحوم دکتر سنجر باتمانقلیچ، آقای دکتر جلیل تجلیل و مرحوم دکتر جعفر شعار و آقای حاج مصطفی شعاریان و... داشتم. در دانشکده ادبیات تبریز هم از محضر درس مرحوم استاد سید حسن قاضی طباطبایی، مرحوم استاد احمد ترجانی‌زاده، مرحوم استاد دکتر ماهیار نوابی، مرحوم استاد دکتر احمدعلی

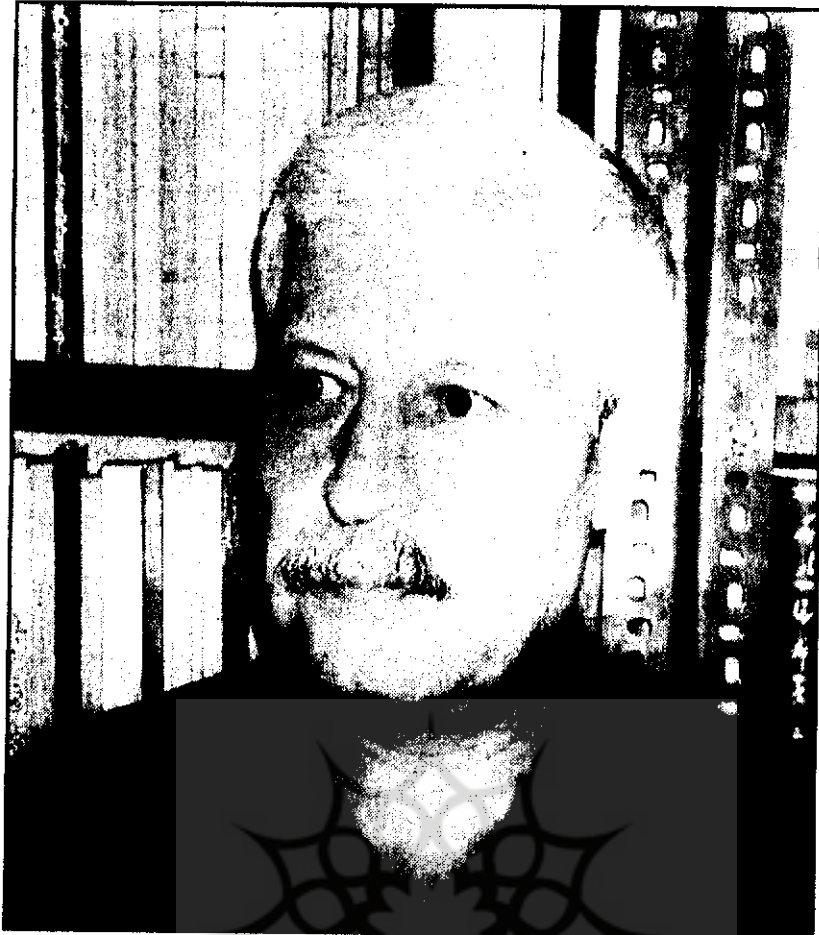
رجایی بخارایی، مرحوم دکتر عبدالرسول خیّام پور، استاد دکتر منوچهر مرتضوی بهره‌ها برده‌ام. غیر مستقیم از استاد مرحوم جعفر سلطان القزّایی مطالب فراوانی آموختم. هر استادی که نام بردم، ویژگی والایی داشت. استاد سیّد حسن قاضی طباطبایی، مردی بود با حافظه‌ی شگرف، هر سؤالی که می‌پرسیدی، گویی پشت کامپیوتر نشسته، پاسخ سؤال شما را از حافظه کامپیوتر با صفحه و سطر از روی مانیتور می‌خواند. مرحوم استاد ترجمانی زاده در ادب عرب اعجوبه‌ی بود. شرح معلقات سبع، و تاریخ ادبیات عرب که از آن مرحوم باقی مانده، گواه صادق این مدعاست، آن مرحوم خوب شعر می‌گفت و مقالاتی هم در نشریه دانشکده ادبیات تبریز دارد، استاد ماهیار نژیابی علاوه بر اطلاعات مبسوط که از ادبیات ایران پیش از اسلام داشت، انسانی والا و کریم و خوش مشرب بود، مرحوم دکتر رجایی در حافظ و فردوسی از رجال منحصر شمرده می‌شد، استادی منظم و سخت گیر بود، هر چه می‌گفت عمل می‌کرد، استاد خیّام پور مردی منصف و برجسته بود، دستور زبان فارسی که خود تألیف کرده بود، در نوع خود بی‌نظیر و اجتهادی بود. سؤال شما برای ایشان منبع الهام بود، اگر درست سؤال می‌کردید، دقیق‌ترین پاسخ را می‌گرفتید، چیزی که نمی‌دانست، صریحاً می‌فرمود که فعلاً نمی‌دانم، مطالعه می‌کنم بعد پاسخ می‌دهم. استاد منوچهر مرتضوی هنوز هم از حافظ شناسان، مولوی شناسان و فردوسی شناسان برجسته کشور ما هستند. من داستان شیرو نخجیران مثنوی را در محضر ایشان به درس خوانده‌ام و مولانا را از بیان شکوهمند ایشان شناختم. اکنون هم به خود می‌بالم که کارهایی که انجام می‌دهم، مورد تأیید ایشان است. مرحوم استاد جعفر سلطان القزّایی انسانی ملایم و متدین واقعی بود. حواشی آن مرحوم بر تصحیح روضات الجنان حافظ حسین کربلایی یکی از ادله ژرف بینی و وقوف ایشان در زمینه تاریخ و فرهنگ این مرز و بوم است. در نسخه‌شناسی و تشخیص سکه‌ها مهارت عجیبی داشت...

- اولین کتابی که منتشر کردید، عنوانش چه بود و در چه سالی منتشر شد؟

اولین کتابی که منتشر شد، تجارب السلف هند و شاه‌نخجوانی بود به تصحیح مرحوم عباس اقبال آشتیانی. این کتاب سخت مورد علاقه استاد قاضی بود. کاری که من در این کتاب انجام دادم، تهیه فهرست آیات، احادیث، اعلام، اشعار فارسی و عربی و توضیح لغات دشوار آن بود. این کتاب را مرحوم طهوری مدیر انتشارات طهوری در ۱۳۵۷ منتشر کرد.

بعدها هم کتابهایی چاپ کرده‌اید، ممکن است به آنها اشاره کنید؟

سیرت ابن خفیف شیرازی، تصحیح ا. ماری شیمل ربا ترجمه مقدمه خانم شیمل و تصحیح اغلاط آن



● دکتر توفیق سبحانی (عکس از طوبی ساطمی)

در ۱۳۶۳ چاپ کردم، رساله الهائم الخائف من لومة اللائم از شیخ نجم الدین کبری را با مقایسه با متن عربی آن در ۱۳۶۵ به چاپ رساندم، مجالس سبعة مولانا را با توضیح تصحیح کردم که در ۱۳۶۴ به چاپ رسیده است و تاکنون چند بار تجدید چاپ شده است، تأثر حافظ از عراقی و سعدی - که پایان نامه دوران لیسانس من بود، در موسسه پیک ترجمه و نشر در ۱۳۶۶ به چاپ رسیده است؛ چندین فهرست کتب خطی فارسی کتابخانه های ترکیه را به چاپ رسانده ام که فهرست کتابخانه مغنيسا، بروسه، و فهرست ۲۲ کتابخانه کوچک ترکیه از آن جمله اند، مکتوبات مولانا جلال الدین رومی را با توضیحات لازم به تصحیح رسانده ام که مرکز نشر دانشگاهی در ۱۳۷۱ منتشر کرده است.

ترجمه متن و شرح مثنوی از مرحوم عبدالباقی گولپینارلی که ابتدا در ۶ جلد، بار دوم در سه جلد چاپ شده به نظر خودم از کارهای خوب است، مولانا جلال الدین رومی (زندگینامه و فلسفه و گزیده بی از آثار او)، مولویه بعد از مولانا از آن مرحوم و نیز تصوف در یکصد پرسش و پاسخ باز از مرحوم گولپینارلی از جمله آثار چاپ شده است و کارهای دیگر هم هست.

- جنابعالی مدتی در ترکیه و هندوستان بودید، این سفرها به دنبال چه ضرورتی بوده است؟

- من در ترکیه به تهیه فهرست کتب خطی مشغول بودم، بعد در آنجا به تحصیل هم مشغول شدم. در هندوستان به عنوان استاد اعزامی در دانشگاه جواهر لعل نهرو در دهلی نو تدریس می‌کردم. در اثنای تدریس به کمک دوستان کتابی درباره عبدالقادر بیدل را از پروفیسور نبی هادی به فارسی برگرداندم. کتابی هم به نام نگاهی به تاریخ ادب فارسی در هند گردآوری کرده‌ام که مورد پسند فارسی‌دانان هند و بعضی استادان ایرانی قرار گرفته است.

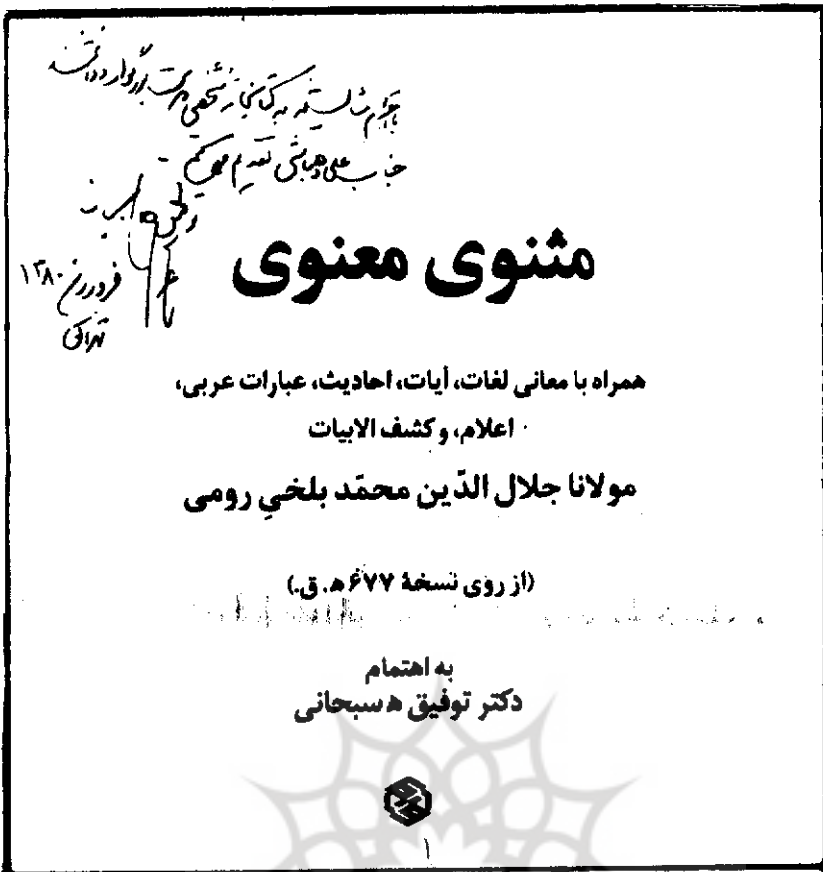
- بخش قابل توجهی از آثار جنابعالی ترجمه و تحقیق درباره مولوی و مولوی شناسان ترک بوده است، در این باره مطالبی بفرمایید.

- درباره مولانا جلال الدین در همه کشورهای جهان تحقیقاتی انجام گرفته است، در انگلستان، آلمان و فرانسه و حتی کشورهای عربی و شبه قاره هم کارهایی کرده‌اند. اما در این زمینه ایران و ترکیه جایگاهی والادارند. اولین بار، خود مولانا به شرح مثنوی پرداخته است. در فیه مافیه شعر معروف خود: ای برادر تو همان اندیشه‌ای... را تقریباً شرح کرده است. بعد از خود او شخصی به نام احمد رومی، معاصر با سلطان ولد پسر مولانا و اولو عارف چلبی نوه وی مشکلات مثنوی را در کتابی کوچک به مثابه شرح گردآورده است. دومین شرح مثنوی کتابی است به نام جواهر الاسرار و زواهر الانوار از کمال الدین حسین خوارزمی (در گذشته ۸۴۰ هـ) که مثنوی را از دیدگاه تشیع شرح کرده است. مرحوم عبدالباقی گولپینارلی معتقد بود که شرح خوارزمی انگیزه‌ی بی بوده است که شرواحی به ترکی فراهم شود. برخی از آن شرحها مفصل و مفیدند و حتی مورد استناد زنده یاد نیکلسون و مرحوم بدیع الزمان فروزانفر بوده‌اند. این ویژگی سبب شد که من به مولوی شناسان ترک و شروح آنان علاقه‌مند شدم و برخی از مفیدترین آنها را به فارسی برگرداندم.

۲۱۸

- ممکن است به بعضی از شروح ترکی مثنوی اشاره کنید و بعضی از مفیدترین آثاری را که به فارسی ترجمه کرده‌اید نام ببرید؟

سروری، مصطفی بن شعبان (م ۹۶۹ هـ) که دیوان حافظ، بوستان و گلستان سعدی را شرح کرده، شرحی هم بر مثنوی دارد، سودی بوسنوی از مردم بوسنی (م ۱۰۰۰ هـ) که او نیز شرحی بر حافظ و گلستان نوشته است، بر مثنوی هم شرحی دارد که چندان شهرتی کسب نکرده است، شمع الله شمعی (م ۱۰۰۹ هـ) هم در زمان سلطان مراد سوم بر شش دفتر مثنوی شرحی فراهم کرده است. اما شرح کبیر از اسماعیل رسوخی انقروی (م ۱۰۴۱ هـ) که به شرح انقروی معروف است، در میان مولویه ترکیه مورد پسند واقع شده است. انقروی کتابی به نام جامع الآیات درباره آیات، احادیث و اشعار عربی مثنوی تدوین کرده، کتاب دیگری هم به نام فاتح الابیات در شرح ابیات دشوار



مثنوی دارد - ترکان، انقروی را با لقب «حضرت شارح» و «شارح انقروی» یاد می‌کنند. یوسف دده طرابلسی، یکی از مشایخ مولویخانه بشیکطاش (م ۱۱۰۸ ه) شرح انقروی را خلاصه کرده و به نام المنهج القوی فی شرح المثنوی به عربی برگردانده است. این کتاب در ۱۲۸۹ ه در مصر به چاپ رسیده است. عبدالمجید سیواسی (م ۱۰۴۹ ه) بر دفتر اول مثنوی شرحی نوشته است. صاری عبدالله افندی (م ۱۰۷۱ ه) شرحی بر دفتر اول مثنوی دارد به نام جواهر بواهر مثنوی؛ احمد عونى قنق (م ۱۹۳۸ ه) و طاهر اولفون (م ۱۹۵۱ م) هم بر مثنوی شرحی دارند. آخرین شرح جامع که در ترکیه فراهم شده، شرح مرحوم عبدالباقی گولپینارلی است که من آن را به نام نشر و شرح مثنوی شریف به فارسی برگردانده‌ام. درباره این شرح و ویژگیهای آن در نامه فرهنگستان، سال اول، شماره ۲، ۱۳۷۴ مقاله‌یی تحت عنوان: بررسی آخرین شرح مثنوی در ترکیه نوشته‌ام.

اما برخی کتابهای مفید که درباره مولانا و تصوف به فارسی برگردانده‌ام، به ترتیب تاریخی ترجمه عبارتند از:

مولانا جلال‌الدین، زندگانی، فلسفه و گزیده آثار از مرحوم گولپینارلی، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳.

مولویه بعد از مولانا، از همان مؤلف، انتشارات کیهان، ۱۳۶۵

تصوف در یکصد پرسش و پاسخ، از همو، نشر دریا، ۱۳۶۹.
میزان نشر و شرح مثنوی شریف، ابتدا در شش جلد در ۱۳۷۱، بعد در سه جلد، ۱۳۷۳ در
انتشارات ارشاد.

ملاط و ملامتیان، از مرحوم عبدالباقی، نشر روزنه، ۱۳۷۸
فتوت در سرزمینهای اسلامی و...، از مرحوم گولپینارلی، روزنه، ۱۳۷۹ و...

- مطالعات استادان ترک در مورد مولانا و مثنوی دارای چه ویژگیهایی است؟

- عنایت دارید که استادان برجسته که واقعاً شیفته تحقیقاند، همه از همه کارهایی که در گوشه و
کنار جهان در زمینه تحقیقات آنان به عمل آمده است، آگاهی داشته‌اند. مسلماً مرحوم فروزانفر
ترکی نمی‌دانست که بتواند از شروح ترکی مستقیماً استفاده کند، اما می‌دانیم که آن مرحوم به
یاری دوستان ترکی‌دان از شروح ترکی مخصوصاً شرح انقروی استفاده کرده است. مرحوم
عبدالباقی هم دقیقاً از تحقیقات انجام گرفته در ایران، آگاه بود، همه مجلّات شرح مرحوم
جعفری را خوانده بود و...

محققان ترک از آبخور بهره برده‌اند. مثلاً استاد پروفیسور تحسین یازیجی، مناقب العارفین افلاکی را
به استناد کهن ترین نسخه‌های کتاب که در کتابخانه‌های ترکیه بود، تصحیح کرده‌اند. یا مناقب جمال‌الدین
ساوی را از روی نسخه‌ی بدون تاریخ از قرن دهم که می‌پنداشتند منحصر به فرد است و در کتابخانه
لالا اسماعیل سلیمانیه یافته بودند، به تصحیح رسانده‌اند. من در سال ۱۳۵۵ که به تهیه فهرست نسخ
خطی فارسی کتابخانه مغنیا مشغول بودم، به نسخه‌ی دیگر از کتاب به خط احمد بن رمضان
النجفی الادهمی که در سال ۹۴۳ هـ در قاهره استنساخ شده است، برخورددم. این نسخه را به استاد
تحسین یازیجی معرفی کردم. در سال ۱۳۷۹ که با استاد ملاقات داشتم، می‌فرمودند که از نسخه
استفاده کرده‌اند.

در تحقیقات استادان ترک به مسائل زبان ترکی توجه شده است. مقاله‌ی از مرحوم
شرف‌الدین یالت قایا چاپ شده است که حاوی کلمات ترکی به کار رفته در مثنوی است. در
شرح طاهر اولغون (طاهر المولوی) بیشتر به تأثیر قرآن در مثنوی تکیه شده است. درباره‌ی مولانا و اطرافیان او
اصیل ترین کارها را انجام داده‌اند. درباره‌ی آرامگاه مولانا و پدرش در قونیه، آرامگاه برادر و مادر
مولانا در لارنده، خانه و مدرسه مولانا در قونیه و موضوعهایی از این قبیل محققان ترک پیشقدم‌اند.
بی تردید کتاب مولویه بعد از مولانا که مرحوم عبدالباقی از زمان مولانا تا حدود ۱۹۵۰ درباره‌ی تاریخ
طریقت مولویه و مشایخ و آداب و ارکان آن طریقت تدوین کرده، تاریخی است که در محدوده
جغرافیایی دولت عثمانی رخ داده است. نظیر آن در هیچ جای دیگر تا جایی که من سراغ دارم

رباعیات عمر خیّام

گردآوری و مقدمه
حسین دانش

ترجمه و توضیح
توفیق ه. سبحانی



انجمن آردوستان فرهنگی
۱۳۷۱

فتوّت در کشورهای اسلامی

و مأخذ آن

به همراه

فتوّت نامه منظوم ناصری

عبدالباقی گولپینارلی

ترجمه

دکتر توفیق ه. سبحانی



تألیف نشده است. قبلاً هم عرض کردم که خوشبختانه من این کتاب را به فارسی ترجمه کرده‌ام. ناشر آن دو سه سال است که قول تجدید چاپ آن را می‌دهد. این قول هنوز به عمل نپیوسته است. البته کتابهایی هم موجود است که متأسفانه کسی تا به حال به سراغ آنها نرفته است. مثلاً کتاب تذکره شعرای مولویه از اسرار محمد دده (م ۱۲۱۱ هـ) که حاوی شرح احوال شعرای مولویه و اشعار آنان است. یا کتاب سفینه نفیسه مولویان از ثاقب مصطفی دده از قرن دوازدهم هجری. اگرچه این دو کتاب پر از خطاهای فاحش تاریخی است، اما تنها مأخذ در این مورد است که باید با دید انتقادی مورد استفاده قرار گیرد.

دو کتاب دیگر هم درباره خانقاههای معروف ینی قاپو و غلظه سرای استانبول است به نامهای مولویخانه ینی قاپو (ینی قاپو مولویخانه سی) از محمد ضیا احتفالیچی، و دیگری مولویخانه غلظه سرای از جان کرامتلی که برای کسب آگاهی از مشایخ مولویه و آداب و ارکان مولویه مورد استفاده است.

- اخیراً تصحیح تازه‌ای از مثنوی ارائه داده‌اید، این متن مصحح شما دارای چه ویژگیهایی است؟

- این کتاب تصحیح نیست بلکه کوششی است برای به دست دادن عین متن ۶۷۷ هـ. ق. مثنوی که

مجالس سبعة

(هفت خطابه)

مولانا جلال الدین رومی

باصحیح و توضیحات دکتر توفیق ه. بسجانی



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فہرست مجموعہ فورٹ ویلیام کالج (گلگتہ)
در کتابخانہ آرشیو ملی ہند۔ دہلی نو

توفیق ہ. بسجانی، محمد رضا نصیری

ضمیمہ شماره ۸

مانندہ پاکستان

پرنٹنگستان زبان ادب فارسی

تہران، فروردین ۱۳۷۱

به نظر همه مولوی شناسان برجسته و صاحب نظر کهن ترین نسخه مثنوی است که هر شش دفتر مثنوی در درون یک جلد قرار گرفته است.

نخستین ویژگی این مثنوی آن است که از روی کهن ترین نسخه مثنوی فراهم شده است. این مثنوی را که به شماره ۵۱ در موزه مولانا در قونیه است، در اکثر نسخه های خطی مثنوی، «نسخه صحیح»، «نسخه اصلی»، «نسخه قدیم»، و مانند آن خوانده اند، در تصحیح مورد استفاده قرار داده اند. در این مورد می توان به پیشگفتار مرحوم گولپینارلی در نشر و شرح مثنوی شریف، جلد اول، صفحه ۲۱ و بعد مراجعه کرد. برخی این نسخه را ناقص می دانند و ابیاتی از مثنوی را مثلاً در جامع نسخ عبداللطیف گجراتی که حدیقه سنایی را هم شرح کرده، یا در شرح انقروی و مثنوی کلاله خاور مطالعه کرده اند، چون آن ابیات را در نسخه قونیه نیافته اند، به نقص آن حکم کرده اند، البته ادعای آنان بر مبنای علمی و تاریخی استوار نیست.

ویژگی دیگرش آن است که فقط ضبط نسخه ملاک بوده است، رسم الخط آن عیناً رعایت شده، کلماتی چون: بستر، دژه، ثوا به همین صورت آمده، نه به صورت: بستر، دژه، ثوا...

خصیصه دیگرش آن که شماره صفحه نسخه عکسی با تصویر کتابی باز مشخص شده تا به هنگام تردید مراجعه به اصل نسخه آسان باشد.

دیگر بیت شمار تصحیح مرحوم نیکلسون در کنار بیت شمار قونیه قرار گرفته، و مقایسه این

نسخه را با نسخه نیکلسون ممکن ساخته است.

دیگر آنکه این نسخه یک فرهنگ کاربردی دارد. البته آنچه انجام گرفته است، فراتر از محدوده فرهنگ است. معانی آیات (با اشاره به سوره و آیه)، معانی احادیث، ابیات و مصراعهای عربی، اعلام تاریخی و جغرافیایی هم در آن به اختصار توضیح داده شده است. ویژگی دیگر آن است که کشف الیاتی به همراه دارد که به آسانی بیت مورد نظر را نشان می‌دهد. اما فرهنگ عیب کوچکی هم دارد و آن این است که علی‌رغم بذل دقت، خطاهای جزئی در فرهنگ لغات راه یافته است. مثلاً: گاهی کلمه‌یی چون «محتوم» به صورت «محترم» قید شده و...

همه این خطاها را - که خدا شکر زیاد نیست - اصلاح کرده‌ام که ان‌شاءالله در اختیار علاقه‌مندان قرار خواهد گرفت.

- در حال حاضر چه کاری در دست دارید؟ شنیده‌ایم که همچنان در خانواده مولانا هستید؟

- آخرین کاری که در دست دارم فعلاً کلیات شمس تبریزی است. از تصحیح مرحوم بدیع الزمان فروزانفر برای نشر قطره آماده می‌کنم. این کلیات عیناً به استناد نسخه مرحوم فروزانفر است. پاورقی معانی آیات، احادیث و لغات به دست داده شده. ترجمه فارسی ابیات عربی، یونانی و ترکی آمده و در مواردی مصراع‌ها و احیاناً ابیات دشوار به نثر ساده معنی شده است. در چند مورد به استناد چاپ لکنهوی هند و ترجمه‌ایی که مرحوم عبدالباقی گولپینارلی در همه کلیات شمس به ترکی فراهم آورده و نیز از ترجمه انگلیسی آقای نوید اوغوز آرگون که در بازده جلد در سال ۲۰۰۰ در لس آنجلس، کالیفرنیا با همکاری وزارت فرهنگ ترکیه چاپ کرده. پاره‌ایی از کلمات نسخه مرحوم فروزانفر را تغییر دادم و به این تغییر در پاورقی اشاره کردم. در تهیه معانی لغات همه لغاتی را که مرحوم فروزانفر در جلد هفتم تحت عنوان فرهنگ نوا در لغات و تعبیرات و مصطلحات چاپ کرده در پاورقی افزوده‌ام. از توضیحات آقای دکتر شفیع کدکنی در گزیده غزلیات شمس و همچنین گاهی از توضیحات آقای دکتر شمیسا استفاده کرده‌ام.

- خیلی متشکرم.

- من هم از شما تشکر می‌کنم.